

بررسی کوتاه از تئوری گراند و اهمیت این تئوری

محمد بامری*^۱، سیف الله فضل الهی قمشی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد، (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار و دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد

چکیده

تئوری گراند یک روش تحقیق کیفی است و بر این فرض بنا شده است که نظریه برای ایجاد دانش عمیق از پدیده‌های اجتماعی ضروری است. اگرچه ما فکر می‌کنیم که یک نظریه پایه خوب بیشتر از پایبندی روش‌شناختی وجود دارد، پذیرش تئوری گراند به‌عنوان یک متدولوژی کلی و پایبندی به تکنیک‌ها و رویه‌های آن پیش‌نیازهای تولید یک نظریه پایه خوب است. به نظر می‌رسد که مطالعات روش‌شناختی کامل‌تر تئوری گراند در حال حاضر در ادبیات روانشناسی ورزشی منتشر شده است. تئوری گراند برای یک پروژه تحقیقاتی نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود. بر اساس یک رویکرد، در پروژه‌های تئوری گراند، محقق تمایل دارد قبل از نوشتن مرور تحقیقات، تحقیقات تجربی انجام دهد. اکثر دانشگاهیان که تحقیق در زمینه تئوری گراند انجام می‌دهند قبل از آن درک خوبی در زمینه تئوری گراند باید داشته باشند تا با ترک یک بررسی تحقیقاتی در اواخر فرآیند راحت‌تر باشند. برای دانشجویان پژوهشی که پروژه‌های تئوری گراند را انجام می‌دهند، بسیاری استدلال می‌کنند که تحقیق در مورد نظریه در ابتدای پروژه هم عملی و هم مهم است، تا مطمئن شوید که پروژه شما کارهای موجود را تکرار نمی‌کند یا روی مماس نامربوطی پیش نمی‌رود. همچنین، تحقیق در مورد پژوهش‌های دانشگاهی زمان زیادی می‌برد، بنابراین انجام آن از ابتدای پروژه، بعداً از استرس جلوگیری می‌کند. این تحقیق تئوری گراند و اهمیت این تئوری را بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تئوری گراند، روش تحقیق، نظریه

۱. مقدمه

تئوری گراند یک روش تحقیق کیفی است که بر این فرض بنا شده است که نظریه برای ایجاد دانش عمیق از پدیده‌های اجتماعی ضروری است. گراند تئوری یک اصطلاح کلی است که به طیفی از رویکردهای روش‌شناختی اشاره دارد که برخی ویژگی‌ها و اهداف مشترک را دارند. به‌طور کلی، گراند تئوری رویکردهای سیستماتیک و انعطاف پذیر برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به‌منظور ساخت نظریه‌هایی هستند که در داده‌ها پایه‌گذاری شده‌اند. هدف از استفاده از گراند تئوری معمولاً تولید یک چارچوب نظری است که ممکن است توضیح دهد که چگونه و چرا افراد، سازمان‌ها یا جوامع رویدادها، چالش‌ها یا موقعیت‌های مشکل‌ساز را تجربه می‌کنند و به آن‌ها پاسخ می‌دهند. اصطلاح «تئوری پایه‌ای» برای اشاره به روش‌شناسی و نظریه حاصل از مطالعاتی که روش‌شناسی را به کار گرفته‌اند، استفاده می‌شود، این هم فرآیند و هم محصول است. در این مقاله، ما از اصطلاح گراند تئوری برای اشاره به روش استفاده می‌کنیم و اصطلاح نظریه پایه را برای اشاره به نظریه تولید شده با استفاده از گراند تئوری ذخیره می‌کنیم [۱ و ۲]. تئوری گراند روشی در تحقیقات طبیعت‌گرایانه است که عمدتاً برای ایجاد نظریه استفاده می‌شود. محقق با یک پرس‌وجو گسترده در یک حوزه موضوعی خاص شروع می‌کند و سپس اطلاعات مربوطه را در مورد موضوع جمع‌آوری می‌کند. همان‌طور که فرآیندهای اقدام جمع‌آوری داده‌ها ادامه می‌یابد، هر بخش از اطلاعات مورد بررسی، مقایسه و تضاد با سایر اطلاعات قرار می‌گیرد. از این فرآیند مقایسه مداوم، اشتراکات و تفاوت‌های میان دسته‌های اطلاعات روشن می‌شود و در نهایت نظریه‌ای که مشاهدات را توضیح می‌دهد به‌صورت استقرایی توسعه می‌یابد. بنابراین، پرسش‌هایی که از طریق تئوری گراند پاسخ داده می‌شوند، به حوزه‌های خاصی مربوط نمی‌شوند، بلکه به ساختار چگونگی سازمان‌دهی یافته‌ها توسط محقق مربوط می‌شوند. همان‌طور که می‌بینید، هر پرس‌وجو نشان می‌دهد که هدف تحقیق آشکار ساختن اصول نظری در مورد پدیده مورد مطالعه است. تئوری گراند همچنین می‌تواند برای اصلاح نظریه موجود یا برای بسط یا کشف تفاوت‌های موجود با آنچه قبلاً شناخته شده است استفاده شود [۳].

گراند تئوری یک روش‌شناسی سیستماتیک است که تا حد زیادی در تحقیقات کیفی انجام شده توسط دانشمندان علوم اجتماعی به کار گرفته شده است. این روش شامل ساخت فرضیه‌ها و نظریه‌ها از طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها است. نظریه زمینه‌ای شامل کاربرد استدلال استقرایی است. روش‌شناسی با مدل فرضی-قیاسی مورد استفاده در تحقیقات علمی سنتی در تضاد است [۴].

مطالعه مبتنی بر نظریه زمینه‌ای احتمالاً با یک سؤال یا حتی فقط با جمع‌آوری داده‌های کیفی آغاز می‌شود. همان‌طور که محققان داده‌های جمع‌آوری شده را بررسی می‌کنند، ایده‌ها یا مفاهیم برای محققان آشکار می‌شود. گفته می‌شود که این ایده‌ها از داده‌ها «پدیدار می‌شوند». محققان آن ایده‌ها را با کدهایی برچسب‌گذاری می‌کنند که به‌طور مختصر ایده‌ها را خلاصه می‌کند. با جمع‌آوری و بررسی مجدد داده‌های بیشتر، کدها را می‌توان در مفاهیم سطح بالاتر و سپس در دسته‌ها طبقه‌بندی کرد. این دسته‌بندی‌ها مبنای یک فرضیه یا یک نظریه جدید می‌شوند. بنابراین، نظریه زمینه‌ای کاملاً متفاوت از مدل علمی سنتی تحقیق است، که در آن محقق چارچوب نظری موجود را انتخاب می‌کند، یک یا چند فرضیه برگرفته از آن چارچوب را توسعه می‌دهد و تنها پس از آن داده‌هایی را برای ارزیابی اعتبار فرضیه‌ها جمع‌آوری می‌کند [۵].

گراندد تئوری یک روش تحقیق عمومی است، روشی برای تفکر و مفهوم سازی داده ها. در مطالعات جمعیت های مختلف از مناطقی مانند ازدواج مجدد پس از طلاق و اجتماعی شدن حرفه ای استفاده می شود. روش های نظریه (گراندد تئوری) پایه توسط دو جامعه شناس، بارنی گلاسر و آنسلم استراوس (۱۹۶۷) توسعه داده شد [۶].

گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) [۷] در حین همکاری^۳ در تحقیق بر روی بیماران بیمارستانی در حال مرگ، روش مقایسه ای ثابت را توسعه دادند که بعدها به عنوان روش گراندد تئوری شناخته شد. آن ها تحقیقات خود را در کتاب آگاهی از مردن که در سال ۱۹۶۵ منتشر شد خلاصه کردند. گلاسر و استراوس در ادامه روش خود را با جزئیات بیشتری در کتاب خود به نام کشف گراندد تئوری در سال ۱۹۶۷ توضیح دادند. سه هدف کتاب عبارت بودند از:

ارائه منطقی برای توجیه این ایده که شکاف بین یک نظریه علوم اجتماعی و داده های تجربی باید با پایه گذاری محکم یک نظریه در تحقیقات تجربی کاهش یابد. ارائه منطقی برای گراندد تئوری مشروعیت بخشیدن به تحقیقات کیفی دقیق، مهم ترین هدف، زیرا، در دهه ۱۹۶۰، روش های تحقیق کمی اعتبار زیادی پیدا کرده بود که تحقیقات کیفی ناکافی تلقی می شد [۷].

گراندد تئوری در شرایطی پدیدار شد که در آن موجی از انتقادات معطوف به نظریه های بنیادگرایانه و ساختارگرایانه بود که هم ماهیت قیاسی و هم نظری داشتند. نقطه عطفی در پذیرش این نظریه پس از انتشار کتاب آگاهی از مرگ اتفاق افتاد. کار آن ها در مورد مردن به تثبیت تأثیر تئوری گراندد در جامعه شناسی پزشکی، روان شناسی و روان پزشکی کمک کرد. روش های گراندد تئوری از ابتدا در زمینه های متنوعی مانند نمایش، مدیریت، تولید و آموزش برجسته تر شده اند [۸].

۲. ریشه های تئوری گراندد

منشأ تئوری گراندد را می توان در سال ۱۹۶۵ دنبال کرد، زمانی که بارنی گلاسر مقاله ای را منتشر کرد که در آن روش مقایسه ای ثابت (یعنی کدگذاری و تجزیه و تحلیل مشترک برای تولید نظریه به طور سیستماتیک) را منتشر کرد که به یکی از ویژگی های کلیدی تئوری گراندد تبدیل شد. نسخه اولیه گلاسر از روش مقایسه ای ثابت شامل چهار مرحله بود: ۱- مقایسه رویدادهای قابل استفاده برای هر دسته، ۲- ادغام دسته ها و ویژگی های آن ها، ۳- تعیین حدود نظریه و ۴- نوشتن نظریه. گلاسر پیشنهاد کرد که پیروی از این مراحل، تحلیلگران را قادر می سازد تا نظریه هایی را تولید کنند که « یکپارچه، سازگار، قابل قبول، نزدیک به داده ها، و به شکلی که به اندازه کافی واضح باشد که به آسانی، حتی تا حدی، برای آزمایش در تحقیقات کمی عملیاتی شود» [۹].

در اولین کاربرد این رویکرد جدید، گلاسر و استراوس (۱۹۶۵) مطالعه ای درباره مرگ در بیمارستان های کالیفرنیا، آگاهی از مرگ را منتشر کردند. دو سال بعد، اولین کتاب روش شناختی آن ها به نام کشف تئوری گراندد منتشر شد. این کتاب شامل مقاله گلاسر (۱۹۶۵) در مورد روش مقایسه ای ثابت به عنوان یک فصل بود. با گذشت زمان، گلاسر و استراوس شروع به بحث در مورد جنبه های مختلف روش شناسی کردند، زیرا استراوس شروع به توسعه تکنیک ها و روش های خود در مورد داده ها کرد. نتیجه توسعه دو نسخه مجزا از تئوری گراندد بود که در اینجا به آن ها رویکرد گلاسر و استراوس گفته می شود [۹]. ژولیت کوربین،

^۱Barney Glaser

^۲Anselm Strauss

^۳Glaser and Strauss

دانشجوی سابق که مدت‌ها با استراوس همکاری کرد، کمک‌های قابل توجهی به رویکرد جدید تئوری گراند کرد. از زمانی که استراوس در سال ۱۹۹۶ درگذشت، کوربین رویکرد استراوسی را اصلاح و گسترش داد [۱۰]. کتی چارماز همچنین با نوع نظریه‌ای مبتنی بر سازه‌گرایی به توسعه تئوری گراند کمک کرد [۱۱]. همچنین طیف وسیعی از رویکردهای نسل دوم برای تئوری گراند وجود دارد که به موجب آن محققان کار اصلی را گسترش داده و دیدگاه‌های خود را در مورد تئوری گراند توسعه داده‌اند [۱۲].

۳. زیربنای فلسفی

گراند تئوری سنت‌های فلسفه پوزیتیویستی، جامعه‌شناسی عمومی و به‌ویژه شاخه تعامل‌گرایی نمادین جامعه‌شناسی را ترکیب می‌کند. به عقیده رالف و همکاران (۲۰۱۵) [۱۳]، تئوری گراند از نظر روش‌شناختی پویا است به این معنا که نظریه زمینه‌ای به‌جای اینکه یک روش‌شناسی کامل باشد، ابزاری برای ساخت روش‌هایی برای درک بهتر موقعیت‌هایی که انسان‌ها در آن قرار می‌گیرند، ارائه می‌دهد [۷].

گلاسر پیشینه‌ای در پوزیتیویسم داشت. به او کمک کرد تا یک سیستم برچسب‌گذاری را به‌منظور کدگذاری پاسخ‌های کیفی شرکت‌کنندگان در مطالعه ایجاد کند. او اهمیت تحلیل سیستماتیک را برای تحقیقات کیفی تشخیص داد. بنابراین او کمک کرد تا اطمینان حاصل شود که گراند تئوری به تولید کدها، دسته‌ها و ویژگی‌ها نیاز دارد. استراوس پیشینه‌ای در کنش متقابل‌گرایی نمادین داشت، نظریه‌ای که هدف آن درک چگونگی تعامل افراد با یکدیگر در ایجاد جهان نمادین است و چگونه دنیای نمادین یک فرد به شکل دادن رفتار یک فرد کمک می‌کند. او افراد را به‌عنوان شرکت‌کنندگان "فعال" در شکل‌گیری درک خود از جهان می‌نگریست. استراوس بر غنای تحقیقات کیفی در روشن کردن فرآیندهای اجتماعی و پیچیدگی زندگی اجتماعی تأکید کرد [۱۴]. عقیده گلاسر (۱۹۹۹)، استراتژی گراند تفسیر معنای شخصی در زمینه تعامل اجتماعی است. نظام گراند تئوری «رابطه متقابل معنا در ادراک سوژه‌ها و کنش آن‌ها» را مطالعه می‌کند. گراند تئوری کدهای نمادین را بر اساس مقوله‌هایی که از داده‌های کیفی ثبت شده پدید می‌آیند، می‌سازد. ایده این است که به روش‌های گراند تئوری اجازه دهیم تا به ما در درک بهتر دنیای پدیداری افراد کمک کنند [۱۵]. به گفته محققین، یکی دیگر از وظایف گراند تئوری زمینه‌ای، درک معانی اجتماعی مشترک است که زیربنای رفتارهای افراد و واقعیت شرکت‌کنندگان مورد مطالعه است [۱۴].

۴. فرضیه‌ها در تئوری گراند

نظریه گراند تئوری روش‌هایی را برای ایجاد فرضیه از داده‌های کیفی ارائه می‌دهد. پس از ایجاد فرضیه‌ها، تلاش برای حفظ یا رد آن فرضیه‌ها بر عهده سایر محققین است. سؤالاتی که توسط محقق کیفی با استفاده از گراند تئوری پرسیده می‌شود شامل "چه خبر است؟" و "مشکل اصلی شرکت‌کنندگان چیست و چگونه برای حل آن تلاش می‌کنند؟" محققانی که از روش‌های گراند تئوری استفاده می‌کنند، هدفشان «حقیقت» نیست. در عوض، آن محققان سعی می‌کنند آنچه را که در زندگی شرکت‌کنندگان در مطالعه اتفاق افتاده است، مفهوم‌سازی کنند. هنگام استفاده از روش‌های گراند تئوری، محقق قبل از جمع‌آوری داده‌ها فرضیه‌هایی را فرموله نمی‌کند، همان‌طور که اغلب در تحقیقات سنتی انجام می‌شود، در غیر این صورت فرضیه‌ها در داده‌ها بی‌اساس خواهند بود. فرضیه‌ها قرار است از داده‌ها بیرون بیایند [۷].

هدف محققى که از روش‌های تئورى گراند استفاده مى‌کند، ایجاد مفاهيمى است که روشى را که مردم دغدغه‌های اصلی خود را بدون توجه به زمان و مکان حل مى‌کنند، توضیح مى‌دهند. این مفاهيم داده‌های سطح زمین را سازمان‌دهی مى‌کنند. مفاهيم به اجزای سازنده فرضیه‌ها تبدیل مى‌شوند. فرضیه‌ها به اجزای یک نظریه تبدیل مى‌شوند. در بیشتر تلاش‌های پژوهشى رفتارى، افراد یا بیماران واحدهای تجزیه و تحلیل هستند، درحالی که در تئورى گراند واحد تحلیل حادثه است [۷]. به‌طورمعمول چند صد حادثه در یک مطالعه تئورى گراند تجزیه و تحلیل مى‌شوند. زیرا هر شرکت کننده معمولاً حوادث زیادى را گزارش مى‌کند. هنگام مقایسه بسیاری از حوادث در یک حوزه مطالعاتى خاص، مفاهيم نوظهور و روابط متقابل آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار مى‌شود. درنتیجه، تئورى گراند یک روش کلی است که مى‌تواند از هر نوع داده‌ای استفاده کند، اگرچه تئورى گراند بیشتر برای داده‌های کیفی به کار مى‌رود [۱۶].

اکثر محققانى که به تئورى گراند گرایش دارند، روش‌های آماری را برای داده‌های کیفی که جمع‌آوری مى‌کنند، به کار نمى‌برند. نتایج تحقیقات تئورى گراند از نظر یافته‌های آماری معنی‌دار گزارش نشده است، اگرچه ممکن است گزاره‌های احتمالی در مورد رابطه بین مفاهيم وجود داشته باشد [۱۷]. اعتبار درونی به معنای پژوهشى سنتى آن موضوعی در تئورى گراند نیست. در عوض، پرسش‌های مربوط به تناسب، ارتباط، کارپذیری و تغییرپذیری در گراند تئورى مهم‌تر هستند. علاوه بر این، طرفداران نظریه مینا بر اعتبار نظری به‌جای ایده‌های سنتى اعتبار درونی یا اعتبار مربوط به اندازه‌گیری تأکید دارند. طرفداران تئورى گراند هنگامی که پایایی را مورد بحث قرار مى‌دهند، کمتر خیرخواه هستند، و به‌طور مداوم یک روش مشاهده واحد را که به‌طور مداوم یک اندازه‌گیری غیرمتغیر را به دست مى‌دهد، قابلیت اطمینان کیشوتیک مى‌نامند [۱۸].

یک نظریه مناسب دارای مفاهيمى است که ارتباط نزدیکی با حوادثی دارد که نظریه ادعا دارد بازنمایی مى‌کند. تناسب بستگی به این دارد که مقایسه مداوم حوادث با مفاهيم چقدر انجام شده است. یک مطالعه کیفی مبتنى بر تئورى گراند، نگرانی‌های واقعی شرکت‌کنندگان در مطالعه را بررسی مى‌کند. این نگرانی‌ها فقط مربوط به آکادمیک نیست. تئورى گراند زمانی کار مى‌کند که توضیح دهد چگونه شرکت‌کنندگان در مطالعه به مشکل در دست و مشکلات مربوطه رسیدگی مى‌کنند. یک نظریه قابل تغییر است و زمانی که داده‌های مرتبط جدید با داده‌های موجود مقایسه مى‌شوند، مى‌توان آن را تغییر داد [۱۶].

۵. انواع تئورى گراند

برخی از مفسران تلاش کرده‌اند تا انواع تئورى گراند را بر اساس هم‌ترازی فلسفی آن‌ها طبقه‌بندی یا تمایز قائل شوند. به‌عنوان مثال، وید (۲۰۱۷) [۱۹] رویکرد گلاسر را به‌عنوان واقع‌گرایانه-پوزیتیویستی، رویکرد استراوسى را به‌عنوان رئالیست-مفسرگرا و رویکرد چارماز را به‌عنوان سازنده-تفسیرگرا توصیف کرد. سایر نویسندگان از چنین طبقه‌بندی دقیقى پیروى نمى‌کنند. درحالی که در ارتباط دادن هرگونه با یک موقعیت فلسفى مزایایی وجود دارد، زیربنای فلسفى تئورى گراند بیشتر از طبقه‌بندی ساده است. اول، مهم است که تأکید کنیم که زیربنای فلسفى تئورى گراند در طول زمان تکامل یافته است. به گفته بیرکز و همکاران (۲۰۱۹) [۲۰]، مشارکت اولیه گلاسر در تئورى گراند تحت تأثیر پوزیتیویسم اواسط قرن بیستم بود، درحالی که

[^]Weed

[^]Birks

استراوس تحت تأثیر تعامل‌گرایی و عمل‌گرایی نمادین بود. مسلماً، آن‌ها در ابتدا پژوهشگر تئوری‌گراند را به‌عنوان یک متخصص از راه دور معرفی کردند تا اینکه به‌طور ضمنی در فرآیند تحقیق درگیر شوند و تجربه و معنا را با شرکت‌کنندگان ایجاد کنند. به‌این‌ترتیب، محققان پیشنهاد کرده‌اند که تئوری‌گراند گلاسر و استراوس اصلی به‌شدت توسط عینیت‌گرایی و نزدیک به رویکردهای پوزیتیویستی پشتیبانی می‌شود [۲۱]. چارماز که با گلاسر و استراوس هم مطالعه کرده بود، زمانی که نظریه پایه سازه‌انگاری را توسعه داد، که به موقعیت^۷بافتی شرکت‌کنندگان در تحقیق و نقش محقق در ساختن معنی مشترک توجه می‌کند، سهم مهمی در روش‌شناسی داشت [۲۰].

مفروضات فلسفی مرتبط با تئوری‌گراند استراوس تکامل یافته است. متون روش‌شناختی اولیه آن‌ها به‌صراحت پارادایمی را که زیربنای این رویکرد بود، بیان نمی‌کرد. برخی از محققان استدلال کرده‌اند که این متون دارای پشتوانه‌های عینی‌گرایانه هستند، بر اساس این درک که یک واقعیت عینی و خارجی وجود دارد که می‌تواند توسط محقق کشف شود [۲۱]. باین‌حال، استراوس و کوربین در فصلی از کتاب، موضع پوزیتیویستی وجود یک واقعیت خارجی را رد کردند، در عوض تأکید کردند که از منظر آن‌ها حقیقت به اجرا در می‌آید [۱۰]. کار اخیر که توسط کوربین انجام شده است، به‌شدت «نقش بازتابی محقق را تأیید می‌کند و کاربرد رویه‌های فنی را همان‌طور که در نسخه‌های قبلی روش استراوس و کوربین بیان شد، ملایم می‌کند» [۲۱]. بنابراین، همان‌طور که رویکردهای تئوری‌گراند در طول زمان انعطاف‌پذیرتر شده‌اند، هم‌سویی سفت‌وسخت یک نوع با دیدگاه فلسفی نیز افزایش یافته است. می‌توان از دیدگاه‌های مختلف فلسفی به انواع مختلف نزدیک شد، درحالی‌که از تطابق روش‌شناختی (یعنی همخوانی بین دیدگاه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، موقعیت‌یابی نظری و روش‌های انتخاب‌شده) یک مطالعه اطمینان حاصل کرد [۲۲ و ۲۳]

همچنین تفاوت‌هایی در تکنیک‌ها و رویه‌های خاص مرتبط با هر گونه وجود دارد. یک تفاوت تاریخی بین سه نوع اصلی، استفاده از ادبیات در تئوری‌سازی است. گلاسر و استراوس در ابتدا پیشنهاد کردند که محققان در ابتدا باید تحقیقات نظریه و واقعیت را در حوزه مورد مطالعه نادیده بگیرند. گلاسر به استدلال علیه انجام بررسی تحقیقات ادامه داد و پیشنهاد کرد که استفاده از نظریه موجود در اوایل فرآیند تحقیق ممکن است منجر به کاربرد زودرس ایده‌های از پیش ساخته شده در داده‌ها شود [۲۵]. چارماز (۲۰۰۶) [۱۱] با ایده اجتناب از تحمیل تئوری از پیش موجود به داده‌ها موافق بود، اما استدلال کرد که نمی‌توان بدون ایده‌های از پیش تعیین شده به مطالعه نزدیک شد. از دیدگاه استراوسی، تحقیقات را می‌توان در تمام مراحل مطالعه مورد استفاده قرار داد، اما مجدداً تحلیل‌گران باید مراقب تحمیل ایده‌های از پیش تعیین شده بر داده‌ها باشند [۱۰]. از منظر خودمان، ما استدلال می‌کنیم که ایده نادیده گرفتن پژوهشگر از تحقیقات، گمراه‌کننده و غیرقابل اجرا برای تحقیقات معاصر است. محققان باید الزامات سازمانی مختلفی را برآورده کنند - مانند نوشتن پروپوزال‌های تحقیقاتی دقیق، درخواست‌های بورس تحصیلی و کسب تأییدیه هیئت مدیره اخلاق تحقیق - و بنابراین لازم است برای توجیه یک مطالعه با تحقیقات موجود درگیر شوند. درک تحقیقات همچنین برای ایجاد تازگی سؤال تحقیق و سهم بالقوه در دانشی که یک مطالعه می‌تواند ارائه دهد ضروری است. بنابراین، استفاده از تحقیقات تا زمانی می‌تواند مفید باشد که «پژوهشگر سخت تلاش کند تا به داده‌های خود باز بماند [۲۶ و ۲۱].

^۷constructivist grounded theory

همچنین تفاوت‌هایی بین انواع اولیه از نظر رویکردهای کدگذاری وجود دارد. اول، توجه به این نکته مهم است که اصطلاح کدگذاری به طرز فریبنده‌ای ساده است و همیشه شامل انتزاع و تعریف داده‌ها با یک برچسب مفهومی است. کدگذاری - صرف نظر از نوع آن - پیچیده است و نمی‌توان آن را از سایر جنبه‌های تجزیه و تحلیل مانند یادداشت نویسی و نمونه‌گیری نظری جدا کرد [۲۷]. رویکرد کدگذاری استراوسی بسیار دقیق و فنی است [۲۰] و شامل تکنیک‌های کدگذاری و طیف وسیعی از ابزارهای تحلیلی دیگر است [۱۰]. در مقابل، رویکرد گلاسر به کدگذاری مسلماً کمتر از رویکرد استراوسی تجویزی است و استفاده از کدگذاری اساسی و کدگذاری نظری را توصیه می‌کند. چارماز (۲۰۰۶) [۱۱] به کدگذاری اولیه، کدگذاری متمرکز و ادغام نظری اشاره کرد. با این وجود، حداقل سه اصل مشترک در کدنویسی تئوری گرانداد وجود دارد. ابتدا در مراحل اولیه کدگذاری، داده‌ها تجزیه و با یکدیگر مقایسه می‌شوند و در مراحل آخر کدگذاری داده‌ها به روش‌های نظری معنادار بازسازی می‌شوند. ثانیاً، اگرچه تکنیک‌های کدگذاری گاهی اوقات در یک توالی خطی توصیف می‌شوند، اما اغلب به صورت تکراری و چرخه‌ای استفاده می‌شوند. سوم، بین جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تعامل وجود دارد [۹].

بلگریو و سید (۲۰۱۹) [۲۷] اخیراً فصلی عالی در مورد رویکردهای کدگذاری در تئوری گرانداد ارائه کرده‌اند که شامل مقایسه بین رویکردهای مورد استفاده در انواع روش و چند مثال عملی است. آن‌ها اشاره کردند که رویکردهای معاصر برای کدگذاری تئوری گرانداد، صرف نظر از نوع آن، به عنوان دستورالعمل‌ها ارائه می‌شوند تا قوانینی که در سنگ نوشته شده‌اند. آن‌ها از برابانت (۲۰۱۷) [۱] استفاده کردند تا به محققان یادآوری کنند که عبارات روش‌شناختی باید به عنوان اکتشافی و نه الگوریتم ارائه، درمان و درک شوند. از این رو، کدگذاری باید در زمینه گسترده‌تر جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تعاملی (یعنی فرآیند تکراری) استفاده شود، اما تکنیک‌های کدگذاری (و سایر استراتژی‌های تحلیلی) انعطاف‌پذیر هستند.

۶. چه زمانی باید از تئوری گرانداد استفاده کرد؟

زمانی که هیچ نظریه‌ای وجود ندارد که توضیحی برای پدیده‌ای که در حال مطالعه آن هستید ارائه دهد، باید از تئوری گرانداد استفاده کنید. همچنین می‌توان از آن در صورت وجود نظریه استفاده کرد، اما به طور بالقوه ناقص است. زیرا داده‌های مورد استفاده برای استخراج آن نظریه از گروه شرکت‌کنندگانی که قصد تحقیق در آن‌ها را دارید جمع‌آوری نشده است. تئوری‌هایی که با استفاده از تئوری گرانداد ایجاد می‌کنید مستقیماً از شرکت‌کنندگان در دنیای واقعی در تنظیمات دنیای واقعی با استفاده از روش‌هایی مانند مصاحبه‌های عمیق و مشاهده مشتق شده‌اند، بنابراین یافته‌های شما با دقت بیشتری دنیای واقعی را نشان می‌دهد. این برخلاف سایر رویکردهای تحقیقاتی است که در محیط‌های کمتر طبیعی مانند آزمایشگاه‌های تحقیقاتی یا جداول گروه متمرکز رخ می‌دهند [۲۸]. از آنجایی که تئوری گرانداد در درجه اول به داده‌های جمع‌آوری شده برای تعیین نتیجه نهایی متکی است، یافته‌ها به شدت با آن داده‌ها مرتبط هستند. این برخلاف سایر رویکردهای تحقیقاتی است که بیشتر بر چارچوب‌های تحقیقاتی خارجی یا نظریه‌هایی که بیشتر از داده‌ها حذف می‌شوند متکی هستند. تئوری گرانداد یک روش تحقیق قوی و استقرایی برای کشف نظریه‌های جدید است. شما با هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای در مورد نتیجه وارد نمی‌شوید و نگران اعتبار یا توصیف نیستید. در عوض، به داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کنید اجازه می‌دهید تا تجزیه و تحلیل و ایجاد نظریه شما را هدایت کند و به اکتشافات جدید منجر شود. فرآیند تئوری گرانداد استراتژی‌های خاصی را برای تحلیل توصیف می‌کند که می‌تواند فوق‌العاده

^۱Bryant

مفید باشد. درحالی که تئوری گراند د یک روش بسیار باز است، استراتژی‌های تجزیه و تحلیل شما را قادر می‌سازد در فرآیند کشف خود ساختارمند و تحلیلی بمانید. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شدت در هم تنیده شده‌اند. همان‌طور که داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنید، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنید، و همان‌طور که از تجزیه و تحلیل یاد می‌گیرید، به جمع‌آوری داده‌های بیشتری ادامه می‌دهید. این کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کنید برای توضیح یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل کافی است. از آنجایی که جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شدت درهم تنیده شده‌اند، شما واقعاً آنچه را که از خود داده‌ها بیرون می‌آید دنبال می‌کنید. این یک بافر عالی در برابر تأیید باورهای از پیش تعیین شده در مورد موضوع شما فراهم می‌کند [۲۹]. تئوری گراند د بر یک فرآیند استخدام تکراری به نام نمونه‌گیری نظری تکیه می‌کند که در آن هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها، به‌طور پیوسته با شرکت‌کنندگان جدید و شرکت‌کنندگان قبلی مصاحبه‌های جدیدی را جذب و انجام می‌دهید. معیارهای استخدام نیز بر اساس آموخته‌های شما تغییر می‌کند و تغییر می‌کند. از آنجایی که استخدام از پیش تعریف نشده است، یافتن مداوم شرکت‌کنندگان مناسب برای مطالعه می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. هیچ راهی وجود ندارد که از قبل بدانید چه مقدار داده باید جمع‌آوری کنید، بنابراین باید در زمان خود انعطاف‌پذیر باشید. با تئوری گراند د، شما به‌طور مداوم داده‌ها را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنید تا زمانی که به اشباع نظری برسید، این نقطه‌ای است که در آن داده‌های جدید بینش جدیدی را به نظریه در حال تکامل شما کمک نمی‌کند. این بدان معنی است که شما احتمالاً قبل از تکمیل نظریه خود، دوره‌های زیادی از جمع‌آوری داده‌ها را انجام می‌دهید. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت چرخشی انجام می‌شود و شامل مقایسه مداوم بین گزیده‌های مختلف داده‌ها است. پیگیری مقایسه‌ها و یافته‌های خود در حین حرکت می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. استفاده از یک نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی می‌تواند مفید باشد تا به شما کمک کند در طول تجزیه و تحلیل سازمان‌دهی خود را حفظ کنید [۷، ۱۰، ۱۱، ۲۳].

رویکردهای مختلف به تئوری گراند د، دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد چگونگی استفاده از نظریه از پیش موجود در تحقیق منعکس می‌کند. گلاسر و اشتراوس در کشف تئوری گراند د این دیدگاه را مطرح کردند که پیش از انجام تحقیق، محققین باید بدون هیچ‌گونه ایده قبلی در مورد مفاهیم و فرضیه‌های مرتبط به حوزه‌ای از مطالعه برسند. به این ترتیب، به گفته گلاسر و اشتراوس، محقق از تحمیل مقولات از پیش تعیین شده بر تلاش تحقیق اجتناب می‌کند. گلاسر بعداً تلاش کرد تا قبل از شروع مطالعه کیفی به تنش بین خواندن و خواندن تحقیقات بپردازد. گلاسر موضوع استفاده از مرور تحقیقات را برای افزایش "حساسیت نظری" محققان، یعنی توانایی آن‌ها برای شناسایی یک نظریه پایه که مناسب با داده‌ها است، مطرح کرد. او پیشنهاد کرد که محققان مبتدی ممکن است خواندن متون را به تأخیر بیندازند تا از تأثیر ناروا بر روی کارکرد آن‌ها با داده‌های کیفی که جمع‌آوری می‌کنند جلوگیری کنند. گلاسر معتقد بود که خواندن ادبیات تحقیق مربوطه می‌تواند محققین را به استفاده از مفاهیم از قبل موجود در داده‌ها، به‌جای تفسیر مفاهیم برآمده از داده‌ها، سوق دهد. باین‌حال، او خواندن گسترده ادبیات را برای ایجاد حساسیت نظری تشویق کرد. اشتراوس احساس می‌کرد که خواندن مطالب مرتبط می‌تواند حساسیت نظری محقق را افزایش دهد [۲۱].

نتیجه‌گیری

تئوری گراند د روشی را به محققان آموزشی ارائه می‌دهد که اشکال متنوعی از جمع‌آوری داده‌های کیفی را تکمیل می‌کند و کار آن‌ها را تسریع می‌کند. اتخاذ راهبردهای تئوری گراند د بیشتر، محققان آموزشی را قادر می‌سازد تا دامنه نظری مطالعات خود را

پیش ببرند و معانی و فرآیندهای ضمنی را آشکار کنند. سازه گرایان نه تنها نظریه پایه را بازبینی کرده‌اند، بلکه آن را به گونه‌ای بازنگری کرده‌اند که این روش را نسبت به نسخه‌های قبلی آن انعطاف پذیرتر و به طور گسترده‌ای پذیرفته است. در گذشته، تئوری گرانداد اغلب جدا از سایر روش‌ها تلقی می‌شد. در حال حاضر، نسخه برساخت‌گرایانه سودمندی ترکیب تئوری گرانداد با رویکردهای دیگر را آشکارتر می‌کند، همان‌طور که در مطالعات تئوری گرانداد در آموزش مشهود است. تئوری گرانداد می‌تواند قوم‌نگاری را تحلیلی‌تر، تحقیقات مصاحبه را عمیق‌تر و تحلیل محتوا را متمرکزتر کند. چندین برنامه تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به کمک رایانه بر اساس تئوری گرانداد ساخته شده‌اند و این روش می‌تواند نوآوری را به تحقیقات روش‌های ترکیبی اضافه کند. تئوری گرانداد بر تمرکز جمع‌آوری داده‌ها و بررسی و توسعه ایده‌های تحلیلی تأکید دارد. از این رو، تئوری گرانداد ابزارهایی را برای ایجاد شواهد قوی در تجزیه و تحلیل و برای توضیح فرآیندها ارائه می‌دهد. در نتیجه، نظریه پردازان گرانداد در آموزش آینده روشنی برای ارائه استدلال‌های قوی در زمینه‌هایی مانند مطالعات درسی، رهبری آموزشی و سیاست آموزشی دارند.

تئوری گرانداد روشی کیفی است که شما را قادر می‌سازد تا یک پدیده یا فرآیند خاص را مطالعه کرده و نظریه‌های جدیدی را کشف کنید که مبتنی بر جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های دنیای واقعی است. بر خلاف رویکردهای سنتی فرضیه-قیاسی تحقیق، که در آن شما یک فرضیه را ارائه می‌کنید و سپس سعی می‌کنید آن را اثبات یا رد کنید، تئوری گرانداد یک رویکرد استقرایی است که در آن نظریه‌های جدید از داده‌ها استخراج می‌شود. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و توسعه تئوری در یک فرآیند تکراری اتفاق می‌افتد. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های تکراری تا زمانی که به اشباع نظری برسید اتفاق می‌افتد، نقطه‌ای که در آن داده‌های اضافی بینش بیشتری به نظریه جدید شما اضافه نمی‌کنند.

مراجع

- 1- Bryant, A. (2017). *Grounded theory and grounded theorizing: Pragmatism in research practice*. Oxford University Press.
- 2- Holt, N. L. (2016). *Doing grounded theory in sport and exercise*. In *Routledge handbook of qualitative research in sport and exercise* (pp. 46-58). Routledge.
- 3- DePoy, E., & Gitlin, L. N. (2019). *Introduction to research E-book: understanding and applying multiple strategies*. Elsevier Health Sciences.
- 4- Faggiolani, C. (2011). *Perceived identity: Applying grounded theory in libraries*. *Perceived Identity: Applying Grounded Theory in Libraries*, 1-33.
- 5- Allan, G. (2003). *A critique of using grounded theory as a research method*. *Electronic journal of business research methods*, 2(1), pp1-10.
- 6- Broadhead, R. S. (2017). *The private lives and professional identity of medical students*. Routledge.
- 7- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine Publishing, c1967.
- 8- Fletcher-Watson, B. (2013). *Toward a grounded dramaturgy: Using grounded theory to interrogate performance practices in theatre for early years*. *Youth Theatre Journal*, 27(2), 130-138.
- 9- Holt, N. L., Pankow, K., Ormond, I., Jørgensen, H., Deal, C. J., & Pynn, S. R. (2022). *Grounded theory*. *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 15(1), 199-225.
- 10- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.

- 11- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. sage.
- 12- Morse, J. M., Bowers, B. J., Charmaz, K., Corbin, J., Clarke, A. E., & Stern, P. N. (2016). *Developing grounded theory: The second generation (Vol. 3)*. Routledge.
- 13- Bryant, A., & Charmaz, K. (Eds.). (2019). *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*. Sage.
- 14- Aldiabat, K. M., & Navenec, L. (2011). *Philosophical Roots of Classical Grounded Theory: Its Foundations in Symbolic Interactionism*. *Qualitative Report*, 16(4), 1063-1080.
- 15- Glaser, B. G. (1999). *The future of grounded theory*. *Qualitative health research*, 9(6), 836-845.
- 16- Glaser, B. G. (2003). *The grounded theory perspective II: Description's remodeling of grounded theory methodology*. Sociology Press.
- 17- Glaser, B. G. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*. Sociology Press.
- 18- Schonfeld, I. S., & Farrell, E. (2010). *Qualitative methods can enrich quantitative research on occupational stress: An example from one occupational group*. In *New developments in theoretical and conceptual approaches to job stress*. Emerald Group Publishing Limited.
- 19- Weed, M. (2017). *Capturing the essence of grounded theory: the importance of understanding commonalities and variants*. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 9(1), 149-156.
- 20- Birks, M., Hoare, K., & Mills, J. (2019). *Grounded theory: the FAQs*. *International Journal of Qualitative Methods*, 18, 1609406919882535.
- 21- Thistoll, T., Hooper, V., & Pauleen, D. J. (2016). *Acquiring and developing theoretical sensitivity through undertaking a grounded preliminary literature review*. *Quality & Quantity*, 50(2), 619-636.
- 22- Mayan, M. J. (2016). *Essentials of qualitative inquiry*. Routledge.
- 23- Morse, J. M. (Ed.). (1994). *Critical issues in qualitative research methods*. sage.
- 25- Glaser, B. G., & Holton, J. (2004, May). *Remodeling grounded theory*. In *Forum qualitative sozialforschung/forum: qualitative social research (Vol. 5, No. 2)*.
- 26- Foley, G., & Timonen, V. (2015). *Using grounded theory method to capture and analyze health care experiences*. *Health services research*, 50(4), 1195-1210.
- 27- Belgrave, L. L., & Seide, K. (2019). *Coding for grounded theory*. *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*, 167-185.
- 28- Ralph, N., Birks, M., & Chapman, Y. (2015). *The methodological dynamism of grounded theory*. *International journal of qualitative methods*, 14(4), 1609406915611576.
- 29- Ralph, N., Birks, M., & Chapman, Y. (2015). *The methodological dynamism of grounded theory*. *International journal of qualitative methods*, 14(4), 1609406915611576.